

حمله به انسجام ملی

دستگاه قضایی در برابر فضاسازی‌ها علیه روزنامه هم‌میهن چه خواهد کرد؟



رضا رئیسی

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

طبیعی که حیات سیاسی خود را در تلاطم‌آفرینی تعریف کرده و در وجه ایجابی حرفی برای گفتن و در شرایط عادی جذابیتی برای دیده شدن ندارد، برای جلب آذهان عمومی به سمت‌وسوی خود از هر اتفاق ریزورشتی سوزه‌سازی می‌کند و فضای مطلوب کنشگری خود را در غبار آلود کردن اتمسفر سپهر سیاسی و رسانه‌ای کشور می‌داند و امکان عرض اندام خود را در چنین فضاهایی ریل‌گذاری می‌کند. فارغ از تحرکات دودعه‌اخیر این جریان، کافی است اتفاقات همین ۱۸ ماه اخیر را مروری گذرا کنیم تا ماهیت فکری و صورت‌بندی عملیاتی آنان هویدا شود.

از ماجرای سقوط بالگرد رئیس جمهوری شهید آغاز کنیم؛ جایی که در گزارش رسمی ستادکل نیروهای مسلح هرگونه دخالت عوامل غیرطبیعی و بیرونی قویا رد شده، اما به‌رغم این موضع‌گیری صریح، ده‌ها چهره از جریان سپهر انقلابی در گفت‌وگو با رسانه‌ها یا در صفحات مجازی خود از تور و به شهادت رساندن رئیس جمهوری فقید گفته‌اند، چراکه اتفاقی بودن چنین رویدادی امکان فضاسازی پیامدی را از آنان سلب می‌کند. در چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، رویکردهای تبلیغاتی آنان بسیار بیش و پیش از تبلیغات سیاسی برای معرفی نامزد خود در مواجهه با مسعود پزشکیان تعریف و ریل‌گذاری شده بود. از همان آغازین روزهای دولت چهاردهم، در ماجرای معرفی کابینه و در خصوص وقوع عملیات «عده‌صادق ۲» فشار فراوانی را متوجه پزشکیان و ارکان نیروهای مسلح کردند و اگر نبود توصیه‌های اکید و صریح و علنی چندباره رهبر انقلاب مبنی بر حمایت و کمک به دولت، به اذعان خودشان حداقل یک‌سوم وزرای کابینه رای اعتماد نمی‌گرفتند، مضاف بر آنکه ارکان نیروهای مسلح نیز بارها و بارها مورد شتمات و تخطئه‌فراز گرفتند. پس از وقوع جنگ ۱۲ روزه نیز که در یک انسجام و اتحاد ملی بی‌سابقه طی چند دهه اخیر، کشور و نظام از یک گردنه صعب و سخت به سلامت گذر کرد و بر لزوم اتحاد و انسجام در امر ملی به‌عنوان یک ضرورت تأکید و تصریح شد؛ به فاصله اندکی دوباره بر طبل انشقاق و تخریب و تقدم سوگیری‌های جناحی دمیده شد و از دولت‌مردان تا چهره‌های شاخص طیف مقابل همچون محمدجواد ظریف و حسن روحانی از مظان حملات و هججه‌ها مصون نماندند.

طی چند سال گذشته، یکی از مواضع و مراجعی که در لاف‌ه همیشه‌مورد تخریب و تخطئه بوده، دستگاه قضایی و شخص رئیس قوه قضائیه است. از زمان ریاست محسنی‌اژه‌ای بر دستگاه قضایی، وی در بسیاری از حوزه‌ها رویکرد کلان قوه را دچار تغییر و تحول کرد و به‌خصوص در حوزه سیاسی و رسانه‌ای بر استقلال قضایی، برپهیز از ورود به جهت‌گیری و سوگیری له یا علیه طیف‌های مختلف تأکید و مصونیت آهنین بر برخی جریان‌ات را به کناری نهاد. این چیزی نبود که تندروها به‌سادگی از کنارش بگذرند و نقش ثبات‌بخش این مواضع مستقلانه را بر تابند. در ماجرای طلب محاکمه ظریف و روحانی هر چند نام این دو چهره سیاسی در میان است؛ اما در پشت پرده طرح چنین موضوعی برای ایجاد فشار بر قوه قضائیه و شخص

رئیس قوه در میان است. در حاشیه‌سازی اخیر علیه روزنامه هم‌میهن نیز، می‌توان ردپای این تفکر و جریان و قصد و نیت آنان را مشاهده کرد. در دوران چهارساله ریاست محسنی‌اژه‌ای بر قوه قضائیه، نحوه مواجهه با رسانه‌ها دچار تغییرات محسوس و ملموسی شد. از جمله آنکه به‌رغم تحولات بردامنه و التهايات تکان دهنده در اتمسفر سیاسی و رسانه‌ای، بر خلاف ادوار گذشته، هیچ‌گاه هیچ رسانه‌ای توقیف و از مدار فعالیت رسانه‌ای به دور نماند. به‌فراخور شرایط و موقعیت‌های خاص، فعالیت برخی رسانه‌ها دچار اختلال موقت و محدودیت‌هایی شد؛ اما هیچ‌گاه حکم توقیف که به‌مثابه صدور حکم اشد مجازات برای رسانه‌هاست، صادر نشد. این درحالی است که در سال‌های نه‌چندان دور، جریان سیاسی تمامیت‌خواه برای حذف رسانه‌های منتقد از کوچک‌ترین لغزش و اشتباهی بهره می‌گرفت و با راه‌اندازی کمپین‌های تبلیغاتی و رگبار سوزه‌سازی، جوی سسنگین علیه رسانه‌های ناهمسو یا خود به راه می‌انداخت و در اندک زمانی رقبای را از مدار رسانه‌ای بیرون می‌راندند. طی این چهار سال اما با رویکرد متفاوت نهاد عالی قضایی، آنان نیز این حربه نخ‌نماشده را به کنار گذاشته بودند؛ اما طی چند روز اخیر البته با اندکی تلطیف‌نسبت به گذشته، انتشار یک عکس روی جلد روزنامه هم‌میهن را دستمایه فضاسازی علیه آن قرار دادند؛ تصویری که بر خلاف ادعاهای مطروحه هیچ ارتباط مستقیم و معناداری با موضوع حجاب و چادر نداشت و یک عکس تزیینی از اجرای پرفورمنس یک هنرمند خارجی بود و چون انتشار علنی عکس شاکي و متشاکي عنه در این پرونده منع قانونی داشت و از طرف دیگر، با توجه به ماهیت پرونده و موضوع مطروحه امکان درج تصویر مستند هم نبود، از تصویری تزیینی بهره گرفته شد. از طرف دیگر، هیچ دلیل و توجیه عقلانی و موج‌های برای آنچه مدعیان بابت درج این تصویر علیه روزنامه مطرح می‌کنند، قابل تصور و توجه و تأمل نیست و این فضاسازی را می‌توان در چارچوب همان اهداف و غرایز فضاسازی التهایی این جریان در اتمسفر سیاسی و رسانه‌ای دید و از طرف دیگر، آن را در راستای فشار بر قوه قضائیه و شخص رئیس قوه قضائیه در کنار گذاشتن مشی متفاوت خود در پیگیری روند مستقلانه و بی‌طرفانه در مواجهه با رسانه‌ها و در سپهر سیاسی ارزیابی و تحلیل کرد.

مرور عملکردها و رویکردهای جریان تندرو به‌خصوص بعد از شکست انتخاباتی آخر خود و گذر از فضای پرتنش جنگ ۱۲ روزه، نشان می‌دهد که آنان از روند تحولات دچار غبن فاحش هستند و می‌دانند در فضای انسجام و اتحاد ملی بر سر اصول و امر ملی که از آن به «وحدت در عین کثرت» می‌توان یاد کرد، این جریان چیزی برای عرضه ندارد و به‌هر نحوی از انحا می‌خواهد حرکت در مسیر اتحاد و انسجام ملی را مخدوش و امید به تغییر و تحول را ایتز کند. اینگونه می‌شود که در مجلس با تخطئه وفاق‌گرایی همسویی طیفی از نمایندگان با دولت راه‌دف می‌گیرد، به‌هر بهانه‌ای دولتی را بی‌کفایت و فاقد کارآمدی می‌داند و عقبه سیاسی و اجتماعی آن را هدف می‌گیرد و حامیان سیاسی دولت را می‌زند و در تحقق اندک وعده‌های دولت اختلال ایجاد می‌کند و با ملاحظه‌کاری خاص اما همدمند و غیرمستقیم به تصویرسازی جدید قوه قضائیه در افکار عمومی حمله و هجمه می‌کند. باید دید آیا تندروها با فضاسازی‌های اخیر به اهداف تعیین‌شده خود خواهند رسید و فضای مبتنی بر وفاق و انسجام ملی را بیش از پیش، تضعیف خواهند کرد؟

ادامه سر مقاله

مسئله این نیست که لزوماً آن لباس‌ها پذیرفته شود یا نشود، ولی ابعاد چنین شکافی از هر لحاظ تأثیرات منفی خواهد داشت و فقط مسئولین مربوط هستند که با سکوت خود احساس می‌کنند خطری متوجه بقای آنان نخواهد شد. تاکنون نیز چند ورزشکار مهم به دلیل این تعارض ایران را ترک کرده‌اند و اغلب آنان درکی از چرایی الزام به پوشش رسمی خود ندارند و این بر خلاف پوشش زنان مسلمان کشورهای دیگر است که با افتخار همه ابعاد حجاب را تا حد ممکن رعایت می‌کنند. حکومت می‌تواند کل جریان حضور زنان در عرصه ورزش و رسانه و هنر را مانع شود. چون قریب به اتفاق این حوزه‌ها یا به لحاظ ساختار موجود این حرفه‌ها یا وضعیت پایگاه و انگیزه‌های اجتماعی و ارزشی زنانی که در آنها وارد فعالیت می‌شوند تناسبی با

انالله وانالیه راجعون

تاج‌زاده عزیز و گرامی

فوت برادر ارجمندتان را تسلیت می‌گوییم.

غلامحسین کر باسچی

انالله وانالیه راجعون

برادر گرانقدر جناب آقای دکتر سیدمصطفی تاج‌زاده

درگذشت اخوی محترم شما زنده‌یاد سیدمحمد تاج‌زاده را تسلیت می‌گوییم.

برای آن مرحوم علو درجات و آمرزش الهی طلب نموده و برای شما و سایر بازماندگان محترم آرزوی صبر داریم.

روزنامه هم‌میهن

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش یک



عکس: ایرنا

نگذاشتند زاکانی تا آخر بماند

ناکامی شهردار تهران در اتحادیه شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور

تشکیل اتحادیه شهرداری‌های کشور

بر اساس بند «ر» ماده ۸۵ قانون برنامه هفتم توسعه؛ این اتحادیه به منظور جمع‌آوری و تمرکز اطلاعات و آمار مربوط به شهرداری‌های ایران و جهان و بررسی علمی و فنی در مسائل مربوط به شهرداری‌ها و تبادل اطلاعات لازمه، ترغیب و تشویق مردم به منظور ایجاد علاقه و همکاری بیشتر در زمینه امور محلی و جلب توجه افراد به اهمیت مسائل مربوط به تشکیلات شهرداری‌های کشور و طرق جدید اداره نمودن آنها و ایجاد همکاری بین شهرداری‌ها و سازمان‌های دولتی یا وابسته به دولت همچنین مؤسسات ملی که در امور مربوط به شهرداری‌ها به نحوی از انحاء مداخله و ارتباط دارند و اتخاذ هر گونه اقدامات لازم به منظور رفاه اهالی شهر در حدود قوانین مصوبه و ایجاد و برقراری

گزارش دو

خروج از زندان

درباره سید مصطفی تاج‌زاده و پیام‌های تسلیت به او پس از درگذشت برادرش

واقع در خیابان شهید حدادعادل برگزار خواهد شد و پیکر آن مرحوم در بهشت زهرا (س) به خاک سپرده می‌شود. مراسم ختم آن مرحوم نیز روز دوشنبه در مسجد نور فاطمی برگزار می‌شود.

پیام‌های تسلیت به تاج‌زاده

سیدمحمد خاتمی، رئیس دولت اصلاحات در پیام تسلیت خود نوشت: «جناب آقای سیدمصطفی تاج‌زاده؛ گرچه دل دریا و جان مقاوم شما نیاز به تسلیت ندارد، پیمان استوارتان با خدای توانا و حق و حرمت بندگان او تسلی بخش دل درد آشنای شما است؛ ولی به رسم ادب درگذشت تأسف‌آمیز برادر ارجمندتان را به جنابعالی، خاندان شریف تاج‌زاده و همه بستگان عزادار تسلیت می‌گویم و از پیشگاه حضرت پروردگار برای آن فقید سعید آمرزش و رحمت الهی و برای بازماندگان مرحوم صبر و اجر و سلامتی مسألت می‌کنم. عمرتان دراز و ایام عزت مستدام باد.»

سید حسن خمینی نیز در پیام تسلیت خود نوشت: «جناب آقای مصطفی تاج‌زاده؛ درگذشت برادرتان را تسلیت عرض نموده، برای جنابعالی و همه بازماندگان صبر و اجر مسألت دارم.»

عبدالله نوری، وزیر کشور دولت‌های هاشمی رفسنجانی و خاتمی نیز در پیامی به تاج‌زاده تسلیت گفت: «برادر گرانقدر و بزرگوار جناب آقای دکتر سیدمصطفی تاج‌زاده؛ درگذشت برادر گرامی‌تان مرحوم سیدمحمد تاج‌زاده را به جنابعالی که نمونه صبر و استقامت و حق‌خواهی هستید و خانواده‌ی محترم آن مرحوم و بستگان معزز تسلیت می‌گویم. از خداوند منان برای آن عزیز سفر کرده، رحمت، مغفرت و رضوان الهی و برای بازماندگان، صبر و شکیبایی، اجر دنیا و آخرت و تندرستی مسألت می‌نمایم. امید که با آزادی جنابعالی که جز خیرخواهی هدفی نداشته و با همدارزهای خود حاکمان را از مسیری که پیهمه‌اند بر حذر داشته‌اید [...] جامعه و حاکمیت از نظرات و اندیشه‌های شما و دیگر عزیزان بهره برده، راه صلاح و اصلاح در پیش گیرد.»

فرزندان میرحسین موسوی و زهرا رهنورد (کوکب، زهرا، نرگس موسوی) نیز از طرف والدین خود به تاج‌زاده تسلیت گفتند: «برادر آزاده، جناب آقای تاج‌زاده؛ فقدان سیدمحمد تاج‌زاده، برادر گرامی شما را از طرف دکتر زهرا رهنورد، مهندس میرحسین موسوی و همچنین دختران: کوکب، زهرا و نرگس موسوی تسلیت می‌گوییم و برای ایشان از خداوند، رحمت و مغفرت الهی و برای شما و سایر بازماندگان طلب صبر و اجر داریم.»

گروه خبر: سیدمصطفی تاج‌زاده، رئیس ستاد انتخابات کشور در دولت سیدمحمد خاتمی پس از سال‌ها توانست مجوز مرخصی بگیرد(او در مجموع ۱۰ سال را در زندان گذرانده است) اما تنها دلیل آن درگذشت برادرش (محمد تاج‌زاده) بود و اگر این اتفاق رخ نمی‌داد شاید او همچنان عمر خود را بدون مرخصی در زندان سپری می‌کرد. تاج‌زاده اما در زندان نیز از کنشگری خود دست نکشید و همچنان فعالیت‌های خود را ادامه داد. زمان حمله اسرائیل به زندان اوین او در زندان بود و پس از انتقال به زندان مرکزی تهران بزرگ درباره شرایط اسفناک این زندان و زندانیان آن اطلاع‌رسانی کرد؛ شاید به همین دلیل بود که برای بار سوم به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی به ۵ سال حبس دیگر محکوم شد. اولین محکومیت او به مدت شش سال مربوط به ۱۳۸۸ است که پس از ۹ ماه با وثیقه آزاد شد. اما فعالیت‌هایش سرنوشته او را با زندان گره زده بود و بار دیگر به زندان رفت. بیانیه‌ها و نوشته‌ها و مصاحبه‌های انتقادی او از زندان که بیشتر توسط فخرالسادات محشمشی‌پور (همسر تاج‌زاده) منعکس می‌شد، باعث شد که او همچنان در زندان بماند. آخرین بار مصطفی تاج‌زاده، تیر ۱۴۰۱ بازداشت شد و مهر ۱۴۰۱ از سوی دادگاه انقلاب اعلام ۵ سال حبس به اتهام تبانی علیه امنیت ملی، ۲ سال حبس به اتهام نشر اکاذیب و یک سال حبس به‌اتهام تبلیغ علیه‌نظام (مجموعاً ۸ سال حبس) محکوم شد. تاج‌زاده در زندان بود که برای سومین بار محکوم شد. ۲۱ تیر ۱۴۰۴ (پس از جنگ ۱۲ روزه) هوشنگ پوربابایی، وکیل مصطفی تاج‌زاده اعلام کرد: «حکم ۵ سال حبس تجمیعی جدید به وی ابلاغ شده و بنابراین، تاج‌زاده مجموعاً تا الان به ۱۷ سال زندان محکوم شده و تا بیست‌وششم اردیبهشت ۱۴۱۱ باید تحمل حبس کند.» درحالی‌که بسیاری بر این پندار بودند که «وفاق ملی» شامل حال کنشگران سیاسی زندانی هم می‌شود اما پرونده قضایی تاج‌زاده هرگز مشمول عفو نشد، حتی هر کنشگری او از زندان به افزایش دوره محکومیتش منجر شده است. درحالی‌که در جنگ ۱۲ روزه و پس از آن بسیاری از فعالان و صاحب‌نظران سیاسی معتقد بودند که قوه قضائیه (به ویژه رئیس آن) باید خیرخواهان ایران را آزاد کند، با لافلا در این شرایط به آنها مرخصی دهد. چراکه زندان و حصر را نه جای آنها که دلسوز ایران هستند بلکه محلی مناسب برای جاسوسان و نفوذی‌ها می‌دانستند اما هیچ یک از توصیه‌ها افافه نکرد و تاج‌زاده و دیگر زندانیان امنیتی در زندان ماندند. حال که او سیاه‌پوش برادرش شده اجازه استفاده از مرخصی را پیدا کرده است.

اعلام برنامه خاکسپاری و ختم برادر تاج‌زاده

مراسم تشییع و خاکسپاری سیدمحمد تاج‌زاده روز شنبه ۱۰ آبان ۱۴۰۴ ساعت ۹ صبح از مقابل درب مسجد حضرت ابوالفضل (ع)